

آزادی واردات همراه با تعرفه‌گذاری صحیح تعادل بازار را حفظ می‌کند

اشاره:

آزادسازی تجارت خارجی و همسویی با نظام تجارت جهانی پیامدهای مثبت و منفی دارد. اما آنچه مسلم است، این روند ادغام می‌تواند به رقابت‌پذیری و گسترش صادرات و سهم در بازار جهانی کمک کند.

در قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، آزادسازی واردات و حرکت به سوی رفع موانع غیرتعرفه‌ای و به عبارتی تعرفه‌ای کردن واردات انواع کالاها (به جز کالاهای ممنوع) پذیرفته شده است و این امر به منظور تأمین نیازهای مختلف و نیز کمک به جریان صادرات صورت می‌گیرد. با این وجود رشد تقاضا برای واردات قابل پیش‌بینی است.

در این مقاله به بررسی روند واردات و اثرپذیری آن از رفع موانع تجاری می‌پردازیم.

(آغاز اجرای برنامه سوم) به ۱۵/۲ میلیارد دلار و در سال گذشته به بیش از ۱۸ میلیارد دلار رسید. به پیش‌بینی برخی کارشناسان واردات ایران در سال‌های آینده (تا پایان برنامه سوم) نیز در محدوده ۱۸ تا ۲۰ میلیارد دلار خواهد بود. در ارقام پیش‌بینی شده در برنامه سوم، ارزش واردات کالا و خدمات کشور در سال ۱۳۷۹ بالغ بر ۲۱/۸ میلیارد دلار و در سال ۱۳۸۰ نزدیک به ۲۲/۲ میلیارد دلار تخمین زده شده و این ارقام در سال ۱۳۸۱ به میزان ۲۳/۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۲ حدود ۲۶/۵ میلیارد دلار و در سال پایانی برنامه (۱۳۸۳) بالغ بر ۲۸/۳ میلیارد دلار برآورد شده است.

پس از خاتمه نحسین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، روند واردات به لحاظ ضرورت صرفه‌جویی ارزی و نیز راه‌اندازی بسیاری از طرح‌های تولیدی تحت تأثیر قرار گرفت، اما از ابتدای اجرای سومین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی کشور، بار دیگر هزینه‌های واردات رو به فزونی نهاده است.

براساس آمارهای منتشره از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ارزش واردات کشور از حدود ۱۳ تا ۱۴ میلیارد دلار در سال طی برنامه دوم، رو به فزونی گذاشت، به طوری که هزینه واردات ایران (فوب) در سال ۱۳۷۹

ببازار ایران با جمعیتی بالغ بر ۶۴ میلیون نفر و قدرت خرید به نسبت خوب، آمادگی زیادی برای جذب انواع کالاهای خارجی به ویژه کالاهای برخوردار از فناوری پیشرفته دارد. نگاهی به روند واردات ایران به ویژه پس از خاتمه جنگ تحمیلی و آغاز دوران بازسازی کشور نشان می‌دهد که تقاضای بالقوه بسیاری برای ورود کالا به کشور وجود دارد. البته بخش اعظم واردات کشور را در سال‌های اخیر ماشین‌آلات و تجهیزات و به عبارتی کالاهای سرمایه‌ای تشکیل داده و بخشی نیز مربوط به تأمین نیازهای غذایی جامعه و کالاهای مصرفی و واسطه‌ای است.

طبق همین پیش‌بینی واردات کالا به ایران از ۱۵/۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۹ به ۱۶/۴ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۰ و سپس به ۱۷/۶ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۱ خواهد رسید. ارزش واردات کالا برای سال ۱۳۸۲ بالغ بر ۱۹/۹ میلیارد دلار و برای سال ۱۳۸۳ به میزان ۲۱/۳ میلیارد دلار تخمین زده شده است.

آنچه مسلم است، پیگیری برنامه‌هایی مانند بازسازی و نوسازی صنایع و معادن، تأکید بر جهش در صادرات غیرنفتی و افزایش سهم ایران در بازارهای جهانی و رقابت‌پذیری تولیدات ملی در بازارهای درون و برون‌مرزی، اگرچه تضمین‌کننده روند توسعه پایدار اقتصادی است، اما هزینه واردات را افزایش می‌دهد.

به عقیده برخی کارشناسان، رفع موانع واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای موجب خواهد شد که دستیابی به فناوری روز و ورود کالاهای و تجهیزات برخوردار از فناوری پیشرفته سهل‌تر گردد و واردات نقش خود را در تولید کالاهای قادر به رقابت در بازارهای جهانی و رونق صادرات غیرنفتی ایفا کند.

ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های واردات، اگرچه دسترسی صادرکنندگان بیگانه به بازار کشور را دشوار می‌سازد، اما به عقیده کارشناسان عاملی برای تشویق و ترویج قاچاق کالا است و در ضمن می‌تواند روند رشد پویای اقتصادی و

بازسازی و نوسازی بخش‌های مولد اقتصادی را با مانع روبه‌رو سازد.

کارشناسان عقیده دارند که با توجه به روند اقتصاد ایران و تقاضای فزاینده برای پیشرفت و توسعه اقتصادی، همواره میل به واردات به ویژه کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای وجود دارد. گرچه ممکن است مصرف‌کنندگان نیز به خرید کالاهای ساخته شده و لوکس تمایل نشان دهند و بخشی از واردات کشور را این اقلام تشکیل دهد که خود رقابت تولیدکنندگان کالاهای مشابه در بازار داخلی را دشوار می‌سازد.

با این وجود، آزادسازی واردات، رقابت را در بازار داخلی تشدید می‌کند و تولیدکنندگان کشور را وادار به ارتقای کیفیت تولیدات خود می‌سازد که در نهایت به نفع مصرف‌کنندگان و اقتصاد کشور خواهد بود.

اما کارشناسان عقیده دارند که برای تقویت بنیه رقابت تولیدات داخلی و نیز مبارزه با قاچاق کالاها، ضرورت دارد که نظام تعرفه‌بندی کالاهای وارداتی به گونه‌ای متحول گردد که هر دو هدف را محقق سازد. یعنی تعرفه‌های گمرکی نباید به حدی بالا باشد که قاچاق کالا را به امری سودآور تبدیل ساخته و تشویق کند و در ضمن نباید آنقدر در سطح پایین قرار گیرد که رقابت تولیدات داخلی را تحت تأثیر قرار داده و رکود صنایع را موجب گردد.

در همین حال، کارشناسان عقیده دارند که ایجاد محدودیت‌های

مقداری برای واردات برخی کالاهایی که در داخل کشور با کیفیت مناسب تولید می‌شود، ضرورت است و به رشد تولیدات داخلی کمک می‌کند. با این حال محدودیت‌های مقداری می‌بایست با توجه به تقاضای بازار و تولید داخلی صورت پذیرد، به گونه‌ای که کمبود عرضه موجبات افزایش قیمت را فراهم نسازد و مصرف‌کنندگان داخلی را با تنگنایهای جدیدی مواجه سازد.

در همین حال این محدودیت‌ها باید به گونه‌ای باشد که تولیدکننده داخلی را به کاهش قیمت تمام‌شده مجبور سازد و به انجام اصلاحات ضروری در این زمینه وادار سازد. این اقدام، ارتقای بنیه رقابت، افزایش کارایی و رفاه بیشتر مصرف‌کنندگان از طریق کاهش قیمت کالاها در بازار را موجب می‌شود و در مجموع اقتصاد را به پیش می‌راند.

با وجود آنکه افزایش واردات، هزینه‌های ارزی کشور را بالا می‌برد، اما اگر نظام تعرفه‌بندی و محدودیت‌های مقداری به طور دقیق تعریف و تعیین شود، واردات می‌تواند نقش کلیدی در تولید کالاهای صادراتی ایفا کند و تراز بازرگانی خارجی را با کسری‌های شدید مواجه نکند.

پذیرش این موضوع که تعرفه‌گذاری می‌تواند بهای کالاهای مصرفی بادوام و لوکس را به سرعت افزایش دهد، طبیعی و قابل قبول است. با وجود قدرت خرید عظیمی که در جامعه ایران از رشد نقدینگی

صادرکنندگانی که محدودیت‌های وارداتی را رعایت نکنند، تعیین می‌کند تا بازار و تولیدات داخلی خود را از گزند رقابت مکارانه (دامپینگ) محفوظ بدارند.

سازمان جهانی تجارت نیز ممنوعیت واردات را خلاف می‌داند و برای آزادسازی تدریجی تجارت جهانی به کاهش موانع غیرتعرفه‌ای (محدودیت‌های مقداری بر اساس ضوابط مشخص) و تعرفه‌ای کردن تجارت خارجی تأکید دارد. کارشناسان اقتصادی عقیده دارند که تعرفه‌بندی واردات و محدودیت‌های مقداری برای واردات برخی اقلام قابل تولید در داخل به نفع اقتصاد کشور است، ضمن آنکه همسویی با روند تجارت جهانی را نیز دربرمی‌گیرد و رقابت‌پذیری تولیدات ملی را در میان‌مدت سبب می‌شود. در صورتی که ممنوعیت واردات به طور کل اقتصاد داخلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از یک سو دسترسی به کالاهای سرمایه‌ای و تجهیزات ماشین‌آلات برخوردار از فناوری پیشرفته را برای فعالان اقتصادی دشوار می‌سازد و از سوی دیگر روند بازسازی اقتصادی و صنایع را با موانع جدی مواجه می‌سازد. با این وصف منافع کوتاه‌مدت ناشی از موانع وارداتی از طریق کاهش هزینه‌های ارزی به زیان‌های بلندمدت ناشی از رقابت‌پذیری تولیدات کشور تبدیل خواهد شد.

به عقیده برخی کارشناسان، حرکت در راستای رفع موانع

رقابت‌پذیری بیشتر تولیدات کشور را ممکن می‌سازد و به جهش در صادرات غیرنفتی کمک بسزایی خواهد داشت.

به عقیده دست‌اندرکاران صنعت و بخش‌های مولد اقتصادی، هر اندازه که واردات به سمت کالاهای سرمایه‌ای و تجهیزات برخوردار از فناوری پیشرفته میل بیشتری داشته باشد، سرمایه‌گذاری برای تولیدات با کیفیت بهتر موفقیت‌آمیزتر خواهد شد و به عبارتی تولید کالاهای رقابت‌پذیر در بازارهای درون و برون‌مرزی تشویق و صادرات رونق خواهد گرفت.

آنها عقیده دارند که وزارت بازرگانی با کمک وزارت صنایع و معادن و جهاد کشاورزی می‌تواند فهرستی از اقلام وارداتی با تعرفه بالا و محدودیت مقداری تهیه و به مخاطبان (اعم از واردکنندگان و تولیدکنندگان) ارائه کند که متضمن رونق تولید کالاهای رقابت‌پذیر و جهت‌دهی واردات کشور خواهد بود. در حال حاضر بسیاری از کشورهای دارای اقتصاد صادرات‌گرا نیز آزادسازی واردات را همراه با تعرفه‌گذاری و محدودیت‌های مقداری اعمال می‌کنند تا بتوانند حمایت منطقی از تولیدات داخلی و رقابت‌پذیری آنها داشته باشند.

در اتحادیه اروپا محدودیت واردات اقلام گوناگون از جمله فولاد، منوجات و پوشاک، مواد خوراکی و... به چشم می‌خورد. آنها مجازات‌های سنگینی برای

در سال‌های اخیر و توزیع نامناسب درآمدها برای برخی گروه‌ها پدیدار شده، به نظر نمی‌رسد که افزایش بهای کالاهای لوکس مورد تقاضای این گروه، مشکلی در سطح جامعه ایجاد کند. اما باید دقت داشت که تولیدکنندگان کالاهای مشابه از چنین موقعیتی برای افزایش بی‌دلیل و بی‌رویه قیمت تولیدات خود بهره‌برداری نادرست نکنند. به عبارتی سیستم نظارت بر قیمت‌ها به ویژه بهای تولیدات داخلی با عنایت به ضرورت سودآوری تولید داخلی و پرهیز از اجحاف به مصرف‌کنندگان، فعال باشد.

کارشناسان عقیده دارند که محدودیت‌های مقداری برای واردات کالاهای قابل تولید در داخل، به نوعی حمایت از صنایع داخلی است. اما این حمایت هدفمند بوده و حقوق تولیدکننده و مصرف‌کننده داخلی را تضمین می‌کند و می‌تواند در کنار تعرفه‌گذاری به طور مؤثری بازار را به تعادل نزدیک کند و از افزایش بی‌رویه واردات و ضرر و زیان تولیدکنندگان داخلی جلوگیری کند.

کارشناسان عقیده دارند که تنظیم بازار از طریق تعرفه‌بندی واردات و محدودیت‌های مقداری، سبب خواهد شد که واردات سمت و سوی صحیحی پیدا کند و در جهت مناسب حرکت کرده و نیازمندی‌های توسعه اقتصادی را تأمین و رونق تولیدات برخوردار از فناوری بهتر و کیفیت و قیمت مناسب‌تر را تضمین کند. این امر در نهایت پایداری تعادل بازار و

غیرتعرفه‌ای، حرکتی صحیح و در جهت رونق اقتصاد ملی، رفاه عمومی و رقابت پذیری بیشتر است، هر چند که در کوتاه مدت هزینه واردات را افزایش می‌دهد. با این حال اگر واردات در راستای تأمین نیازهای بخش تولید کالاهای صادراتی جهت‌دهی شود، در میان مدت رشد صادرات غیرنفتی را تضمین خواهد کرد و تولیداتی قابل رقابت در عرصه بین‌المللی را موجب خواهد شد.

به نظر می‌رسد که حرکت بازرگانی خارجی در راستای انحصارزدایی، مقابله با قاچاق و رقابت‌پذیری شکل گرفته و می‌تواند به رشد اقتصادی و صادرات غیرنفتی کمک بسزایی داشته باشد.

بحث بر سر میزان واردات شماری از کالاها (محدودیت‌های مقداری) می‌بایست به طور کارشناسی و در نهادهای مربوطه (وزارتخانه‌های ذیربط اعم از بازرگانی و نیز صنایع و معادن) صورت پذیرد تا بتواند متضمن رشد صادرات غیرنفتی و افزایش تولید کالاهای رقابتی باشد. تعیین دقیق محدودیت‌های مقداری و تعرفه‌های وارداتی به نظم بازار، تقویت بنیه رقابت، ارتقای کیفیت تولیدات و روند نزولی قیمت تمام شده کالاها کمک بسزایی خواهد داشت، ضمن آنکه حرکت اقتصاد ملی در راستای ادغام و تجارت جهانی را قوت و استحکام خواهد بخشید.

به عقیده برخی کارشناسان، توازن در تراز بازرگانی خارجی همواره با

محدودیت واردات تأمین نمی‌شود. بلکه این توازن می‌تواند همزمان با رشد واردات و صادرات و در ارقامی بالاتر محقق گردد که متضمن رشد اقتصادی پایدار نیز خواهد بود.

موضوع اصلی ایجاد تعادل در بازار، تقویت بنیه رقابت تولیدات داخلی از طریق ارتقای کیفیت و کاهش قیمت تمام شده و تلاش برای رشد سریع صادرات غیرنفتی است که در چارچوب نظام تجارت خارجی متعادل و مبتنی بر کاهش موانع غیرتعرفه‌ای محقق خواهد شد.

به عقیده کارشناسان، رشد بهای کالاهای مصرفی لوکس به جامعه زیان زیادی نخواهد زد، مگر آنکه روند قیمت‌ها در بازار تولیدکنندگان را از ضرورت ارتقای کارایی و تلاش برای رقابت‌پذیری از طریق افزایش کیفیت و کاهش قیمت بی‌نیاز سازد.

به عقیده کارشناسان، واردات کالاهای مصرفی و به ویژه مواد خوراکی اساسی به شدت می‌بایست زیرنظر قرار گیرد، به گونه‌ای که تعرفه‌گذاری این کالاها سبب افزایش سریع قیمت آنها در بازار نشود. مصرف‌کنندگان این گونه کالاها، عموم مردم و از جمله اقشار آسیب‌پذیر هستند که می‌بایست مورد توجه قرار گیرند.

آزادسازی واردات اقلام خوراکی به ویژه کالاهای اساسی با تعرفه بالا فشار زیادی به اقشار کم‌درآمد وارد می‌سازد و در نبود یک نظام تأمین اجتماعی فراگیر و هدفمند نشدن

پارانه‌ها، ضعف بنیه خرید آنها را به دنبال دارد. اگرچه دولت در سال جاری همزمان با یکسان‌سازی نرخ ارز، تعهد کرد که مابه‌التفاوت هزینه این اقلام (براساس تغییر نرخ ارز از هر دلار ۱۷۵۰ ریال به ۷۵۰۰ ریال برای واردات کالاهای اساسی) را به عنوان پارانه پرداخت کند تا فشاری به اقشار آسیب‌پذیر وارد نگردد.

با این حال ضرورت دارد که برنامه هدفمند کردن پارانه‌ها، پرداخت پارانه مستقیم به اقشار نیازمند و... هر چه سریع‌تر تنظیم گردد و به تدریج به اجرا درآید، زیرا روند آزادسازی واردات و کاهش موانع غیرتعرفه‌ای همزمان با یکسان‌سازی نرخ ارز در سال‌های آینده می‌تواند مشکلاتی را ایجاد کند، به ویژه در دورانی که به تدریج پارانه‌های عمومی حذف خواهد شد.

به نظر کارشناسان، روند واردات و تجارت خارجی کشور در راستای حذف موانع غیرتعرفه‌ای و کاهش تعرفه‌های گمرکی، نیازمند بازبینی مستمر، اصلاح مشکلات و رفع تنگناها، بازنگری در نرخ تعرفه‌ها به منظور هدایت واردات به سمت تأمین کالاهای سرمایه‌ای و مؤثر در تولید کالاهای صادراتی، در سال‌های آینده همچنان تداوم یابد تا بتوان از آزادسازی تجارت به افزایش سهم در تجارت جهان (همراه با جهش در صادرات غیرنفتی) نایل آمد.

